

روزنامه نگاری مردم سالار

فیلیپ مرلان

گفتگو و ترجمه: بیتا عظیمی نژادان

نشر پایان

چاپ یکم: ۱۳۹۹

سرشناسه	:	مرلان، فیلیپ
Merlant, Philippe	:	
عنوان و نام پدیدآور	:	روزنامه‌نگاری مردم‌سالار / فیلیپ مرلان؛ گفت‌وگو و برگردان
بی‌تا عظیمی‌نژادان؛ آپیش گفتار مصطفی ملکیان	:	
مشخصات نشر	:	تهران: پایان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۲۵۶ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۵۷۴۲-۵۳-۴
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	مرلان، فیلیپ — مصاحبه‌ها
موضوع	:	Merlant, Philippe -- Interviews
موضوع	:	روزنامه‌نگاران — فرانسه — مصاحبه‌ها
موضوع	:	Journalists -- France -- Interviews
موضوع	:	روزنامه‌نگاران — فرانسه — قرن ۲۰ م. — سرگذشت‌نامه
موضوع	:	۲۰th century -- Biography -- Journalists -- France --
شناسه افزوده	:	عظیمی‌نژادان، بی‌تا، ۱۳۴۹ -، مصاحبه‌گر، مترجم
شناسه ان	:	ملکیان، مصطفی، ۱۳۳۵ -، مقدمه‌نویس
رده بی‌کی	:	۵۱۸۳PN
رده ندی دی	:	۰۷۰/۴۳۵۰۹۴۴
شماره کتاب‌شناسی	:	۶۰۲۵۵۲۳

نشر پایان

روزنامه‌نگاری مردم‌سالار

فیلیپ مرلان

گفت‌وگو و ترجمه: بی‌تا عظیمی‌نژادان

گرافیک جلد: آریابرنز فروزان

حروفچین: مهری فراهانی

ناشر: پایان، تلفن: ۰۹۱۹۴۹۴۷۶۸۸

چاپ یکم: ۱۳۹۹

چاپ و صحافی: پردیس دانش، تیراژ: ۵۰۰

www.Payanpub.com

E.mail: payan1379@yahoo.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۴۲-۵۳-۴

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

یادداشت مترجم

داستان من و یاران و کتاب

اواخر سال ۲۰۱۴ بود که به اصرار کوهزاد در انستیتو کاتولیک پاریس اسمنویدی کردم، مرکزی متفاوت با دیگر مراکز آموزش‌های تکمیلی زبان و فرهنگ فرانسه. کلاس‌های من به موضوع‌های متنوع در آموزش‌های تکمیلی داشت. من کلاس فن بیان را انتخاب کردم، استادم خانم دومینیک گودن (Dominique Godin) با تمام اساتذگانی که در فرانسه داشتم متفاوت بود. کلاس‌های طولانی‌اش زود می‌انست کار ما بررسی سخنرانی‌های سیاستمداران و به‌ویژه رئیس‌جمهورهای فرانسه بود و جدا از فن بیان، بحث‌های سیاسی هم داشتیم. چند جلسه که گذشت روزی در فاصله استراحت چند دقیقه‌ای، دومینیک به من گفت که دوست و همراه زندگی‌اش روزنامه‌نگاری است که کلاس‌های آموزش روزنامه‌نگاری برای شهروندان عادی برگزار می‌کند و می‌خواهد ما را با هم آشنا کند. رزم بعد دومینیک مرا با چند دانشجوی دیگر برای شام به سوئیت کوچکش دعوت کرد. بار اول فیلیپ را آن‌جا دیدم. آرام حرف می‌زد، و باطمینان، بهرمان بود و خوش‌رو. اولین چیزی که نظرم را جلب کرد توجه یکسان‌اش به همه ما بود، با همان اشتیاق که به حرف‌های من و دوستان‌ام گوش می‌داد با کسرا یازده ساله حرف می‌زد و نظر او را می‌پرسید. هنگام خداحافظی، به آرامی گفت که امیدوار است به‌زودی در جمع کوچک‌تری هم‌دیگر را ببینیم. دفعات دیگر بیشتر آشنا شدیم و هر بار که خاطراتی که فیلیپ از کار در

روزنامه‌ها داشت را می‌شنیدم برایم بسیار جالب بود و هر بار تفاوت نگاه‌اش برایم پرسش‌برانگیز بود. فیلیپ از سال ۱۹۷۵ در رادیوهای متفاوت و روزنامه‌ها و مجله‌های گوناگون کار کرده است و اکنون مدرسه آموزشی روزنامه‌نگاری برای شهروندان علاقه‌مند را بنیان گذاشته و از پیشروان کنفرانس‌های نمایشی است.

هر صبح با دَذه حرف می‌زدم، حرف‌های فیلیپ برای او هم جالب بود و من گفت این چیزهایی را که برای‌اش تعریف کردم یادداشت کنم که نکات مهمی هستند. همان زمان‌ها شبی زنگ زد و گفت پیشنهاد می‌کنم با فیلیپ، گفت‌وگو کنی تا کتاب‌اش کنیم، تجربه خوبی خواهد بود و گفت که کمک‌ام خواهد کرد مانند همیشه!

و این شد که روزنامه‌ای این کتاب.

با فیلیپ در میدان شاتا قرار گذاشتم، بی‌درنگ پذیرفت و گفت تا برسد خانه برنامه‌ای برایم خواهد فرستاد. بنا شد از اول سال ۲۰۱۸ شروع کنیم. این مصاحبه‌ها نزدیک به ده ماه طول کشید؛ فیلیپ تلخی‌ها دید و دردها کشید، و من... ده ماهی که آرام‌آرام زبان را بُرد.

من ماندم و صداهای ضبط شده فیلیپ را در اندکی مطلق و قوی که داده بودم.

تلفن‌های روزانه یا شا، یادآوری‌های مؤدبانه هفتگی و غم‌دیده برای شروع نوشتن کتاب، ظرافت گاه‌به‌گاه رضا از خوشحالی دَذه برای احیای این کار، پیگیری سینا برای خواندن خاطرات فیلیپ، صدای محزون لیلی‌جون که کار چه شد، پیام‌های پریسا در اوج افسردگی‌اش برای دعوت از فیلیپ برای رونمایی کتاب و پشت‌وپناه بودن احمد و فاطمی در تمام روزها بود که نوشتن را شروع کردم. کسرا همراه‌ام بود و کمک‌ام. هر نامی که برای من ناآشنا بود و هر کلامی از فیلیپ که در آن کلام بغض بر صدای‌اش ترک انداخته بود و من متوجه نمی‌شدم، کسرا بود که می‌شنید. مجموعه سه

دفتر شصت برگی شد که دیگر من توان تایپ آن را نداشتم. مهری با دستان عمل کرده تایپ کرد، دختر غر می زد و فایل ها را مرتب می کرد، مسعود صبوری کرد برای مشکلات فنی هر روزه ی من، محمد خواند، رضا همراهی کرد و متن را خواند.

و استاد دستام را گرفت، بلندم کرد، خواند، ایراد گرفت، نوشت و سرانجام تأییدش همه خستگی را از جانام برد.

و این کتاب، که ایده اش برای او، و انجام اش به همت یاران جان بود؛ هر کاستی که باشد از من است.

داستان من، معشوقه مرا پایان نیست

کان چه آغاز دارد نپذیرد انجام

بیتا

اردیبهشت ۱۳۹۹

قرنطینه دوران کرونا

نوویی سورین